

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۲  
دوره ۱۶، شماره ۲ (پیاپی ۳۱)، صفحات: ۲۵۹-۲۸۲  
مقاله علمی ترویجی

## بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی

عظیم حمزئیان\*

قاسم رؤفی\*\*

### چکیده

ملا حبیب‌الله شریف کاشانی از علما و مراجع بزرگ امامیه در نیمه اول قرن چهاردهم هجری است که تألیفات بسیاری در موضوعات فقه، اصول، تفسیر، حدیث، کلام، اخلاق، ادبیات عرب، شعر و... دارد. کتاب رباعیات وی شامل ۷۵۰ رباعی است که آینه‌ای تمام‌نما از شرایط سیاسی، اجتماعی و دینی عصر قاجار، به‌ویژه در دوران جنگ جهانی اول و قحطی سال‌های ۱۲۹۶-۱۲۹۸ هجری قمری در کاشان است. قالب رباعی با ویژگی‌های ایجاز، سادگی و آهنگین بودن، به شاعر امکان می‌دهد تا مشاهدات و انتقادات خود را در مورد مسائل مختلف جامعه به‌صورت موجز و تأثیرگذار بیان کند. رباعیات وی، علاوه بر ارزش ادبی، منبعی ارزشمند برای شناخت شرایط زندگی مردم، تفکرات و انتقادات یک عالم دینی در مواجهه با مشکلات اجتماعی و همچنین درک بهتر اوضاع سیاسی آن دوره محسوب می‌شوند. از مضامین مهم رباعیات، وصف خداوند، مدح پیامبر (ص) و ائمه (ع)، انتقاد از بی‌تفاوتی توانگران و زاهدان در برابر رنج مردم، نكوهش دین‌داری ریاکارانه و صوفیگری مردم‌فریب و مخالفت با استعمار است. این پژوهش به‌شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی، با بررسی رباعیات ملا حبیب‌الله شریف به شناخت بهتر اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر قاجار کمک می‌کند. همچنین با تحلیل مضامین اعتقادی و اخلاقی این رباعیات، می‌توان به درک عمیق‌تری از تفکرات و دیدگاه‌های یک عالم دینی در مواجهه با مشکلات اجتماعی دست یافت.

**کلیدواژه‌ها:** ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، قحطی کاشان، رباعیات، شرایط اجتماعی، عصر قاجار.

\* دانشیار، گروه ادیان و عرفان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، نویسنده مسئول / ahamzeian@semnan.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری، گروه تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه سمنان، ایران، ghasem.raufi@semnan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۲



### ۱. مقدمه

ملا حبیب‌الله شریف عالم و فقیه متشرع امامیه قرن چهاردهم هجری قمری است که به گفته امامت کاشانی، در حوالی سال ۱۲۶۱ق در شهر کاشان از پدری عالم و فقیه که شاگرد آیت‌الله ملا علی مدد ساوجی و مادری نیکوکار و زاهد که فرزند علامه سید جلیل کاشانی بود، متولد شد (امامت کاشانی، بی تا: ۲۸۷).

فرزند ملا حبیب‌الله شریف کاشانی در انتهای کتاب شرح دعای سحر ایشان، اطلاعات ارزشمندی درباره پدر خود ارائه می‌دهد. به گفته وی، ملا حبیب‌الله شریف کاشانی در سال ۱۲۶۲ق متولد شده و در روز سه‌شنبه بیست‌وسوم جمادی‌الثانی ۱۳۴۰ق درگذشته است و مدفن او در مزار دشت‌افروز کاشان قرار دارد و تعداد آثار تألیفی‌اش بیش از دویست عنوان است (کاشانی، ۱۴۰۵ق: ۷۸). البته درباره تاریخ دقیق تولد وی، اقوال مختلفی وجود دارد. مادر ملا حبیب‌الله در جایی گفته که او دو سال قبل از مرگ محمدشاه قاجار به دنیا آمده، درحالی‌که سال مرگ محمدشاه ۱۲۶۴ق است. ملا حبیب‌الله در کتاب *لباب‌الانقلاب* خود بیان می‌کند که هشت یا نه‌ساله بوده که پدرش در ساوه از دنیا رفته و سال وفات پدرش ۱۲۷۰ق است و استادی بر مبنای همین اقوال معتقد است که تاریخ تولد وی باید بین سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۲ق باشد (استادی، ۱۳۷۳: ۲۶). باین حال، به نظر نگارندگان و با استناد به رباعیات خود ملا حبیب‌الله، این تاریخ‌ها چندان قابل اعتماد نیستند؛ زیرا براساس آنچه شریف کاشانی در رباعیات خود سروده، این اشعار در اواخر عمر شاعر و در ۸۰سالگی تا ۸۳سالگی سروده شده‌اند. به این ترتیب، تاریخ تولد وی (۱۲۶۲ق) که در منابع تاریخی بیان شده، اشتباه است و به نظر می‌رسد تولد وی باید قبل از سال ۱۲۶۰ق باشد.

ملا حبیب‌الله در محضر بزرگان علم و دین کاشان پرورش و به مراحل عالی علمی و دینی دست یافت تا جایی که در شانزده‌سالگی به درجه اجتهاد رسید. مراحل زندگی علمی و دینی وی از کاشان آغاز و در ادامه برای تکمیل معلومات خود به تهران و کربلا رفته و در انتها به کاشان مدتی به گلپایگان برگشت و تا پایان عمر در کاشان به تدریس، تألیف و هدایت مردم اشتغال یافت (کاشانی، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۲).

ملا حبیب‌الله، عالم برجسته و فقیه نامدار، در مسیر پرفرازونشیب تحصیل علم و رسیدن به جایگاه ممتاز علمی و دینی خود، از محضر استادان بزرگی همچون علامه سید حسین کاشانی، علامه فاضل اردکانی، علامه عبدالهادی تهرانی، علامه حاج میرزا محمد اندرمانی، علامه ملا زین‌العابدین گلپایگانی، علامه شیخ محمد اصفهانی، علامه حکیم سید علی شرف‌الدین حسین



## بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

معروف به سیدالاطباء مرعشی بهره برده است (کلانتر ضرابی، ۱۳۴۱: ۶۹۰-۶۹۱؛ امامت کاشانی، بی‌تا: ۲۹۰-۲۹۱).

وی همچنین به‌عنوان یک مربی و استاد برجسته، با بهره‌گیری از جایگاه علمی و دینی ممتاز خود، به تربیت شاگردان متعددی در حوزه‌های مختلف علوم دینی پرداخت. این شاگردان تحت تعلیمات عالمانه و اخلاقی ایشان، به مراتب بالای علمی و معنوی دست یافتند و در ترویج معارف اسلامی و خدمت به جامعه اسلامی نقش بسزایی ایفا کردند. اسامی برخی از این بزرگان عبارت‌اند از: علامه حاج سید ابراهیم علوی بروجردی، شیخ ابوالقاسم قمی، علامه سید مصطفی کاشانی، علامه میرزا حسین محلاتی، آیت‌الله ملا عبدالرسول مدنی، آیت‌الله سید محمدحسین رضوی، آیت‌الله شیخ محمد تبریزی معروف به نجفی، آیت‌الله شیخ محمد غروی، آیت‌الله میرزا شهاب‌الدین نراقی و... (همان: ۲۹۱-۲۹۳). عربشاهی و فراهتی در مقاله‌ای، برخی دیگر از شاگردان ایشان از جمله عظام سید ابوالقاسم خویی، سید ابوالقاسم مشکینی، میرزا نصرالله نراقی، حاج سید مصطفی کاشانی، میرزا حسین مملو، آقا میر سید محمدرضا یثربی، حاج میرزا مجدالدین نراقی، میر سید علی یثربی، سید فخرالدین امامت، سید محمدحسین رضوی و... را نام برده‌اند (عربشاهی و فراهتی، ۱۳۹۹: ۷۱).

امامت کاشانی درباره سنجایی اخلاقی ملا حبیب‌الله چنین بیان می‌دارد که او با وجود خانواده پرجمعیت، فقر و تنگدستی زیادی را تحمل کرد که داستان صبرش در برابر بلاها و حوادث بزرگ زبانزد است. کرامات و ریاضت‌های او در میان مردم مشهور بود و تا آن زمان کسی مثل ملا حبیب به دلیل کتابت فراوان، خوش‌اخلاقی و تبحر در دانش علوم غربی و عربی نبود. او از اختلاط با جاهلان گریزان بود و به تاریکی‌ها و مال دنیا متمایل نمی‌شد؛ بلکه انزوا را دوست می‌داشت و از بحث و جدل، غیبت، پاسخ‌گویی و پرسش جز در امور حرام و حلال پرهیز می‌کرد و با استناد به گفته خودش در انتهای کتاب لباب، عمر خود را در تدریس، تألیف و تصنیف گذرانده است (امامت کاشانی، بی‌تا: ۲۸۹). وی علاوه بر جامعیت و نبوغش در علم و عمل، در فتوا و زعامت علمی در شهر کاشان و اطراف آن نیز اشتهار داشت و سؤالات مختلفی در انواع علوم از سراسر کشورهای اسلامی برایش ارسال می‌شد و وی به آن‌ها پاسخ می‌داد (همان: ۲۹۰).

نویسنده کتاب *ریحانه‌الادب* درباره ملا حبیب‌الله شریف کاشانی چنین می‌نگارد که او عالم عابد زاهد و صاحب تألیفات گران‌قدر، درزمینه فقه و تفسیر و عقاید و اخلاق و علوم ادبی و شعر و علوم غریبه بوده و پس از تحصیل مقامات علمی در حوزه‌های کاشان، تهران و کربلا، نزد استادان



هر رشته، در سن هجده‌سالگی، از استادش حاج سید حسین کاشانی، به اجازه اجتهاد مفتخر گردیده است (مدرس تبریزی، ۱۳۹۴، ج ۵: ۱۸).

ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، مجتهد، عالم و عارف نامدار، از جمله نویسندگان پرکاری است که آثار متعددی در حوزه‌های مختلف علوم تألیف کرده است. با وجود کثرت تألیفات وی، تاکنون اطلاعات دقیقی از تعداد آثار او در دست نیست. سلمانی آرانی معتقد است که ملا حبیب‌الله آثار بسیاری در مسائل گوناگون علوم دارد و شمار کتاب‌ها و رساله‌های او به ۱۵۰ اثر می‌رسد. از جمله آثار برجسته او می‌توان به کتاب *منتقد المنافع* در شرح *مختصر النافع* در چهارده جلد اشاره کرد (سلمانی آرانی، ۱۳۷۵: ۱۶۸). مدنی نیز از ویژگی‌های بارز مرحوم آیت‌الله شریف، تنوع و فزونی تألیفات وی می‌داند و بیان می‌کند که مشهور است ایشان سیصد کتاب و رساله نوشته، اما فقط حدود دویست جلد آن‌ها شناخته شده است (مدنی، ۱۳۹۲: ۱۴۴). امامت کاشانی در کتاب *کشکول* معتقد است که ملا حبیب‌الله، بیش از دویست اثر در حوزه‌های مختلف فقه، اصول، معانی، شرح و تفسیر، عرفان، ادبیات، حدیث، ریاضی، معارف و منظومه به زبان‌های فارسی و عربی نگاشته است. وی از نویسندگان پرکار و توانایی بود که برخی از آثار خود را پیش از رسیدن به سن بلوغ تألیف کرده است (امامت کاشانی، بی تا: ۲۹۴). استادی نیز در سال ۱۳۷۳ش و در *نشریه نور علم* از ۱۶۲ عنوان کتاب ملا حبیب‌الله نام می‌برد (استادی، ۱۳۷۳: ۶۸). وجه اشتراک همه اقوال در این موضوع است که ملا حبیب‌الله شریف کاشانی از نویسندگان پرکار زمانه خویش بوده است.

از مهم‌ترین آثار ملا حبیب‌الله، می‌توان به *منتقد المنافع* در فقه (۱۳ جلد)، *لباب الالتاب* در *تراجم علما، تسهیل المسالك الى المدارک فی رؤوس القواعد الفقهیه و قوامیس الدرر* (۲ جلد)، *اسرار حسینیة، ریاض الحکایات، تذکرة الشهداء* (۲ جلد) و... اشاره کرد (عاطفی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۲۱). خود شاعر در ۲۱ سال قبل از وفاتش و در کتاب *لباب الالتاب فی القاب الاطیاب*، ۱۳۵ عنوان از آثارش را نام می‌برد. ملا حبیب‌الله شریف کاشانی علاوه بر آثار متعدد در حوزه‌های مختلف علوم، کتاب *رباعیات فارسی و قصیده عربی* در مدح صاحب‌الزمان (عج) را نیز تألیف کرد که نشانگر ارادت و علاقه عمیق وی به امام زمان (عج) است.

ملا حبیب‌الله در عصر خود، جایگاه ممتاز علمی و دینی کسب کرده بود و بزرگان بسیاری درباره وی و جایگاهش صحبت کرده‌اند. برای نمونه، علامه سید محمد علوی بروجردی با عباراتی همچون «اجل المجتهدین، آیت‌الله فی الارضین، العالم العامل الربانی و القدیس الکامل صمدانی، اعظم غطاریف زمانه و اکرم معاریف اوانه، وحید عصره و فرید دهره و...» شخصیت ملا حبیب‌الله



## بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

شریف کاشانی را می‌ستاید (امامت کاشانی، بی‌تا: ۲۹۶). یا علامه عبدالحسین محلاتی با اوصافی مانند «الفاضل الكامل الخبیر، جامع فنون العلوم و الفضائل حاوی صنوف المکارم و الفواضل بدیع الزمان و نادره الاوان الذي قلّ ما يسمح بمثله الدوران قطب الموحدين منهاج السالكين سراج الملة و الدين المؤيد من عندالله الناصر لدين الله العليم الحليم الاواه شيخنا الاوحد الازهد الاجل جناب المولى حبيب الله الساوجي الاصل الكاشاني المسكن» (همان: ۲۹۷). شایان ذکر است علامه سید محمد علوی بروجردی پس از وفات استادش و به خواهش بعضی از فضلا، زیارت‌نامه‌ای برای ملا حبیب‌الله شریف کاشانی انشا نموده است (همان: ۳۰۱).

بررسی جامع ابعاد شخصیتی ملا حبیب‌الله شریف کاشانی در این مجال نمی‌گنجد و نویسندگان این مقاله فقط به اشاره‌ای گذرا به جایگاه علمی وی بسنده کرده‌اند. با مراجعه به متن وصیت‌نامه ایشان، نکات جالب و آموزنده‌ای در باب شخصیت والا و فضایل و سجایای اخلاقی ایشان به دست می‌آید. می‌توان گفت زهد، تبطل از دنیا و متعلقات آن، رحمت، عطوفت و خدمت به خلق و بندگان خدا از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک رفتاری ملا حبیب‌الله بوده است؛ اگرچه که وصیت‌نامه ایشان سال‌ها قبل از وفات ایشان تنظیم شده و در اواخر عمر و با استناد به رباعیات خود شاعر، در فقر مطلق و درعین حال بی‌نیازی از احدی به سر می‌برد. از دیگر ویژگی‌های برجسته اخلاقی ملا حبیب‌الله کاشانی، حساسیت وی نسبت به گناه و گناهکاری مردم و رنج از آن‌ها بود. او معتقد بود که عالمان دینی موظف به امر به معروف و نهی از منکرند و باید در برابر گناه و گناهکار و ستم و ستمگر واکنش نشان دهند. انتقاد او از روحانیان ظاهری کاشان نیز در همین راستا بود (استادی، ۱۳۷۳: ۶۳).

از جمله آثار ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، کتاب رباعیات فارسی و قصیده عربی در مدح صاحب‌الزمان (عج) است. این اثر که شامل ۷۵۰ رباعی است، به دستور فرزند ملا حبیب، محمد شریف آیت‌الله‌زاده ابن‌الناظم در سال ۱۳۷۳ق به چاپ رسیده است. رباعیات ملا حبیب‌الله متناسب با مقتضیات زمانی، از نوع رباعی اعتراضی و اجتماعی است. این رباعیات اطلاعات ارزنده‌ای از جامعه، شرایط زمانی، مردم و احوالات آنان در اختیار خواننده قرار می‌دهد. اگرچه مضامین دیگری مانند عشق به خدا، مدح پیامبر و اهل‌بیت (ع) و... نیز در رباعی‌های شاعر مشهود است، با توجه به آغاز سرودن رباعیات در زمان جنگ جهانی اول و مصائب مربوط به آن، وجه اجتماعی و اعتراضی آن‌ها برجسته‌تر است. با اندکی تأمل در رباعیات ایشان می‌توان دریافت که هرچند رنگ‌وبوی مسائل اجتماعی و سیاسی در آن‌ها بیشتر است، از حیث ادبی کاملاً ضعیف نیستند و شاید روحیه



تواضع و فروتنی، به دور بودن از تفاخر و فضل‌فروشی در عرصه شاعری، و ناشناخته بودن آثار ایشان در اذهان و افکار عموم مردم و پژوهشگران، سبب کم‌اقبالی به آثار و اشعار این شخصیت بزرگ باشد. وی در منظومه گلزار اسرار خود چنین می‌سراید:

اگرچه شعر من را عار آمد ولی از عشق جان سرشار آمد  
مرا فن، شاعری هرگز نبوده ولیکن جذبۀ عشقم ربوده  
(کاشانی، بی‌تا: ۱۶۶)

می‌توان گفت که رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، اطلاعات اجتماعی ارزشمندی را در خود جای داده‌اند. این اطلاعات، وقایع تاریخی عصر شاعر را مستندسازی کرده و تصویری واضح از اوضاع اجتماعی و حالات مردم آن دوران ارائه می‌دهند. بنابراین، رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی را می‌توان به‌عنوان آینه تمام‌نمای وقایع اجتماعی و حالات مردم روزگار خویش در نظر گرفت.

این پژوهش با بررسی رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌های زیر است:

- رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی چه تصویری از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر شاعر ارائه می‌دهد؟
  - قحطی سال ۱۲۹۶ق در کاشان چه تأثیری بر زندگی مردم و تفکرات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی داشته است؟
  - ملا حبیب‌الله شریف کاشانی در رباعیات خود از چه طبقات و اصناف انتقاد کرده و چه توصیه‌هایی به آن‌ها داشته است؟
  - مضامین اخلاقی و اعتقادی در رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی کدام‌اند؟
  - جایگاه رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی به‌عنوان یک سند تاریخی در شناخت اوضاع اجتماعی عصر قاجار چیست؟
- این پژوهش با بهره‌گیری از رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی به‌عنوان یک منبع تاریخی، به بازسازی و تحلیل اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر قاجار می‌پردازد. همچنین با کاوش در مضامین اعتقادی و اخلاقی این رباعیات، می‌توان به درک عمیق‌تری از جهان‌بینی و رویکرد یک عالم دینی در مواجهه با چالش‌های اجتماعی دست یافت.



## ۲. پیشینه پژوهش

برخی از آثار ملا حبیب‌الله شریف کاشانی به صورت محدود و معدود چاپ و منتشر شده است. از جمله دلایل این امر می‌توان به عربی بودن زبان نوشتاری نویسنده، تخصصی بودن موضوعات فقهی و... اشاره کرد. مقالات و پژوهش‌های محدودی در حوزه فکر و اندیشه این عالم بزرگ نگاشته شده است که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پایان‌نامه مقایسه تطبیقی میان شرح دعای سحر امام خمینی (ره) با شرح دعای سحر ملا حبیب‌الله کاشانی و شرح دعای سحر سیدابوالحسن رفیعی قزوینی (نادری، ۱۳۹۰).

- مقاله «پژوهشی در دیدگاه‌های عرفانی حکمی ملا حبیب‌الله شریف کاشانی با تأکید بر مشابهت اندیشه‌های وی با مولانا» (مدنی، ۱۳۹۲).

- مقاله «ملا حبیب‌الله شریف کاشانی» (مدنی، ۱۳۵۷).

با توجه به این موضوع که کتاب رباعیات وی تاکنون چاپ و منتشر نشده و پژوهش‌های کمی درباره شخصیت، اندیشه و جایگاه والای ملا حبیب‌الله شریف کاشانی صورت پذیرفته است، این پژوهش با بررسی رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی به عنوان یک سند تاریخی، به شناخت بهتر اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر قاجار کمک می‌کند. همچنین با تحلیل مضامین اعتقادی و اخلاقی این رباعیات، می‌توان به درک عمیق‌تری از تفکرات و دیدگاه‌های یک عالم دینی در مواجهه با مشکلات اجتماعی دست یافت.

## ۳. بحث

رباعی یکی از قالب‌های شعری کهن فارسی است که از چهار مصرع تشکیل شده و قافیه آن به صورت «آبا» شکل می‌گیرد. این قالب شعری به دلیل سادگی و ایجاز، ظرفیت بالایی برای بیان مفاهیم عمیق و تأثیرگذار دارد. رباعی در طول تاریخ ادبیات فارسی، کاربردهای متنوعی داشته است. از جمله موضوعات رایج در رباعیات، می‌توان به عشق، عرفان، حکمت، مدح و هجو اشاره کرد؛ باین حال، رباعی به دلیل ویژگی‌های ساختاری خود، قالبی مناسب برای بیان مضامین اجتماعی و سیاسی نیز محسوب می‌شود. ایجاد تأثیرگذاری با کمترین کلمات، امکان طرح مسائل انتقادی و اعتراضی، و انعطاف‌پذیری در بیان طیف وسیعی از عواطف و احساسات، از جمله دلایل استفاده از رباعی در موضوعات اجتماعی و سیاسی است. از شاعران برجسته‌ای که در سرودن رباعیات اجتماعی و سیاسی شهرت دارند، می‌توان به خیام، مولانا، عطار و... اشاره کرد. رباعی از نظر معنا و محتوا دارای سه نوع عاشقانه، عارفانه و فلسفی است و گاه به اعتبار مضامین فرعی نیز می‌توان انواع

دیگری همچون رباعی مدحی، اجتماعی و سیاسی، مرثیه، مستهجن و هجوآمیز، ساقی‌نامه و رباعی نو برایش در نظر گرفت (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۳۳).

رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی آینه‌ای تمام‌نما از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عصر قاجار به‌ویژه در دوران جنگ جهانی اول و قحطی سال ۱۲۹۶ق در کاشان است. این رباعیات علاوه بر ارزش ادبی، منبعی ارزشمند برای شناخت اوضاع زندگی مردم، تفکرات و انتقادات یک عالم دینی در مواجهه با مشکلات اجتماعی و همچنین درک بهتر اوضاع سیاسی آن دوره محسوب می‌شود. با توجه به محتوای رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، می‌توان آن را در زمرهٔ رباعیات سیاسی و اجتماعی قلمداد کرد که این نوع اخیر بعد از مشروطه نمونه‌های بسیاری دارد. در ادبیات مبارز فارسی، این معنا به‌صورت حمله به زهاد و متشرعین و گاه صوفیان مردم‌فریب بوده است (همان: ۲۳۴).

محتوای رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی طیف وسیعی از مضامین را در بر می‌گیرد؛ از جمله وصف خداوند، مدح پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع)، حضرت مهدی (عج)، ترویج فضایل اخلاقی، شیکوه از روزگار، بازتاب فقر شاعر، قحطی زمانه، انتقاد از شهر کاشان و مردمانش، زن، اصناف و طبقات مختلف مردم. وی همچنین در لابه‌لای اشعار خود نقدهایی بر درویشان و صوفیه<sup>۱</sup> و عقیدهٔ ایشان، یعنی وحدت وجود<sup>۲</sup> ابراز داشته است. وی بهترین علوم را فقه، تفسیر و حدیث می‌داند<sup>۳</sup> و می‌توان گفت کاشانی خود اعتقاد به وحدت شهود دارد:

به هر جا رو کنم آینهٔ توست به هر آینه خود را می‌نمایی

(کاشانی، ۱۳۷۳ق: ۳)

نکتهٔ تأمل‌برانگیز در رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، گرایش سیاسی وی است که مخالف دولت‌های روسیه و انگلیس است و نیم‌نگاهی هم به وضعیت مشروطه دارد:

در این زمان که مشروطه شمع فانوس است به‌جای بانگ مؤذن صدای ناقوس است

خدای حفظ نماید شریعت ما را که برخلاف قوانین مذهب روس است

(همان: ۱۶)

یکی از دلایل اصلی مخالفت کاشانی با دولت‌های استعماری روس و انگلیس، نگرانی وی از تضعیف و حذف دین اسلام بوده است:

ما با دهری و با انگلیس و روس چه کار که مذهب همه آن‌ها خبیث و منحوس است

بگیر مذهب اسلام را که آیاتش برای عالمیان همچو نور محسوس است

(همان: ۱۶)





بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

و رسالت خود را در این زمانه، ترویج دین می‌داند:

غرض از هستی‌ام ترویج دین است وگرنه دشمنم اندر کمین است  
(همان: ۵۲)

### ۱-۳. وضعیت کاشان و قحطی آن در سال ۱۲۸۸س

شهر کاشان در دوران جوانی ملا حبیب‌الله شریف کاشانی و به دلایلی چون خشکسالی و جنگ جهانی اول، بارها دچار قحطی شد. در قحطی سال ۱۲۸۸ش، جمعیت فراوانی از اهالی کاشان جان خود را از دست دادند و قیمت یک من جو و گندم به یک تومان رسید (نراقی، ۱۳۴۵: ۲۶۴). در سال‌های جنگ جهانی اول نیز با اقدامات دولت‌های استعمارگر، شهر کاشان درگیر قحطی شدیدی شد. بنا بر مستندات تاریخی، در این زمان کمبود غله در کاشان مشهود بود؛ زیرا حمل غله از قم یا سلطان‌آباد به کاشان ممنوع شده بود (مجد، ۱۳۸۶: ۳۷). ملا حبیب‌الله شریف کاشانی سال وقوع این قحطی و جزئیات آن را چنین می‌سراید:

به سال سیصد و سی و شش الف به هر شهر و دهی قحطی نان شد  
در این کاشان ما ثلثی ز مردم ز جوع الکل جانشان در زبان شد  
(کاشانی، ۱۳۷۳: ق: ۲۴)

یا در ابیاتی دیگر، به قیمت بالای جو اشاره می‌کند که در نتیجه، غذای عموم مردم به‌دلیل نداشتن توانایی مالی، علف یا گوشت گربه و سگ بوده است.

چنان قحطی شد اندر شهر کاشان که کار مرد و زن گشته پریشان  
چه خرواری ز جو هفتاد تومان علف یا گربه و سگ قوت ایشان  
(کاشانی، ۱۳۷۳: ۲۴)

این قحطی منحصر به کاشان نبود و سایر شهرها از جمله قم را نیز در بر می‌گرفت. غلاتی چون جو و گندم به‌شدت کمیاب و حتی در برخی موارد به‌طور کامل نایاب شده بودند.

عجب شوری در این مردم فتاده گرانسی در جو و گندم فتاده  
گرانی در همه‌جا شد نه‌تنها به کاشان خراب و قم فتاده  
(همان: ۲۱)

مردمی بسیاری در این قحطی، جان خود را برای به دست آوردن نان از دست دادند:

مردند بسی خلق در این غرق لو بردند به دل حسرت یک گرده نانی  
(همان: ۲۸)

انعکاس ادبی قحطی و خشکسالی در آثار شاعران و نویسندگان فارسی، قدمت تاریخی دارد. فردوسی، ناصر خسرو، انوری، قطران تبریزی، بیهقی، حمدالله مستوفی، عطاملک جوینی و... در آثار خود به این حوادث اشاره کرده‌اند (بلوری و مختاری، ۱۳۹۷: ۱۸). شاعران سستی به رباعی که از قالب‌های شعری پرکاربرد در ادبیات فارسی است، رجوع می‌کردند تا افکار و نگرش‌های خود را در قالبی موزون و موسیقایی به بیان آورند. شاعران اغلب از رباعی برای توصیف زمانه و وضعیت اجتماعی خود استفاده می‌کردند. این قالب کوتاه و فشرده، امکان بیان مفاهیم عمیق و پیچیده را در قالبی ساده و قابل درک فراهم می‌آورد. رباعی همچنین با استفاده از تصاویر شاعرانه و بیان موسیقایی خاص خود، امکان بازنمایی احساسات و نگرش‌های درونی شاعر را فراهم می‌کند. در دوره‌های مختلف تاریخی، شاعران با استفاده از قالب رباعی، نگاه خود به مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نشان داده‌اند. بررسی این رباعی‌ها می‌تواند کمک به درک بهتر از زمانه و شرایط اجتماعی آن دوره باشد. رباعی‌های ملا حبیب شریف کاشانی نیز از این امر مستثنا نیست. وی از قالب رباعی برای بیان وضعیت آشفته عصر خود استفاده کرده است. ملا حبیب‌الله از سال‌های قحطی و در قالب شعر تصویرسازی زیبایی ارائه می‌دهد که درک آن اوضاع را ملموس‌تر می‌کند:

چنان قحط و غلا در این جهان شد که گویا فتنه آخر زمان شد  
(کاشانی، ۱۳۷۳ق: ۲۵)

در این ایام، طلا و نقره ارزان شده و قیمت لباس تن به اندازه قیمت یک نان تنزل پیدا کرده بود<sup>۴</sup> و حتی شاعر برای حفظ جان و زنده ماندن از قحطی، ناچار شده است که کتاب‌های خود را بفروشد.<sup>۵</sup> شاید ابیات زیر تصویر بهتری را از قحطی آن سال نشان دهد:

از آن روزی که نان ما گران شد عبا و جبه اندر رهن نان شد  
کتاب و درس و دانایی همه رفت تو پنداری قیامت ناگهان شد  
(همان: ۳۶)

گرانی‌ها محدود به نان نبود و همه خوردنی‌ها گران شده بود.<sup>۶</sup> قحطی‌ای که در زمان سرایش رباعیات ملا حبیب شریف کاشانی رخ داده، از عید نوروز و سال جدید شروع شده است و شاعر در ابیات بسیاری<sup>۷</sup> به تلفیق فقر خود و سال نو با موضوع قحطی اشاره می‌کند:

نه در شب باشدم قوتی نه در روز نه یک جامه نوی در عید نوروز  
نه یک خانه برای استراحت عجب دارم من از این بخت فیروز  
(همان: ۱۸)



اما توصیه ملا حبیب‌الله در این اوضاع، سفارش به اغنیا برای کمک به فقرا و صبر بر قضای الهی توسط مستمندان<sup>۸</sup> است، زیرا این قحطی را یک آزمایش و امتحان الهی می‌داند<sup>۹</sup> و یقین می‌داند که بعد از هر سختی، موعد آسانی هم خواهد رسید.<sup>۱۰</sup> نکته قابل توجه در اشعار ملا حبیب‌الله در موضوع قحطی آن است که وی این اوضاع را از نشانه‌های ظهور امام زمان (عج) می‌داند.<sup>۱۱</sup>

### ۲-۳. شکایت از مردم زمانه

اما در حوزه اجتماعی نیز وضعیت سخت و دشواری بر جامعه حاکم حکمفرماست. شر و فساد فراگیر، روابط خانوادگی مابین اعضای خانواده بر محور عناد،<sup>۱۲</sup> وجود اراذل بر مسندهای قدرت،<sup>۱۳</sup> ظالمان در حال ظلم<sup>۱۴</sup> و تعطیلی درس‌های علمی و دینی<sup>۱۵</sup> به دنبال قحطی حاکم شده بود. با توجه به قحطی و اوضاع اجتماعی روزگار شاعر، یکی از رذایل اخلاقی که نمود بیشتری پیدا نمود، بحث نفاق است. در واقع در زمانه ملا حبیب‌الله و به اعتقاد وی، کسی برای خدا دم نمی‌زند<sup>۱۶</sup> و شاعر در موضوع نفاق و در قالب وصف، انذار، هشدار، نکوهش و... اشاره می‌کند و به دوری از ایشان را تأکید می‌نماید:<sup>۱۷</sup>

از منافق دور شو صد مرحله او چو دزد است رفیق قافله

(همان: ۱۰)

ایشان در مقام یک عالم دینی که در اواخر عمر در کاشان به سر می‌برد و از تمکن مالی خوبی برخوردار نبود، با توجه به قحطی پیش آمده، انتظار کمک و توجه از طرف مردم شهر کاشان داشت، اما با بی‌مهری از جانب ایشان روبه‌رو شد؛<sup>۱۸</sup> به همین سبب، زبان به طعن و بدگویی از شهر کاشان گشود. شاعر در ابیاتی به وضعیت نامناسب شهر کاشان در زمان خود اشاره می‌کند. او این شهر را شهری پر از فتنه و آشوب توصیف می‌کند که در آن مؤمنان به دلیل قهر و غضب غمگین‌اند و شاعر برای تأثیرگذاری بیشتر اشعار خود، نام قدیم شهر کاشان را در خدمت مضمون و محتوای مورد نظر خود به کار می‌برد:

شهری است پر ز فتنه یعنی که شهر دانی چه بود نامش در پیش چل حصاران

هر مؤمنی در این شهر با غصه است از قهر بر حال خویش گرید چون ابر در بهاران

(همان: ۲۹)

شاعر، زندانی بودن را بر زندگانی در شهر کاشان ترجیح می‌دهد و به علت ناعهدی مردمانش، آرزوی ویرانی برای این شهر دارد.<sup>۱۹</sup> همچنین در شعری دیگر به دلیل بخیل بودن مردمانش، آرزوی خراب شدن این شهر را دارد.<sup>۲۰</sup> ملا حبیب‌الله شریف کاشانی مردم این شهر را فتنه‌جو می‌داند که



قدر و حق عالمی چون او را نمی‌دانند و نمی‌دهند<sup>۲۱</sup> و عنوان دارالمؤمنین را براننده این شهر نمی‌داند:

در این کاشان مسلمانی نباشد      به راحت گر بود آنی نباشد  
به دارالمؤمنین مشهور گشته      غلط باشد چه ایمانی نباشد  
(همان: ۸۳)

وی در چندین موضع دیگر نیز درخصوص کاشان و مردمان آن به دیده طعن و نکوهش می‌نگرد.<sup>۲۲</sup> البته سایر شهرها از جمله قمصر نیز آماج طعن و انتقادات ملا حبیب‌الله واقع می‌شوند.<sup>۲۳</sup> در این بخش، نویسنده به اوضاع سخت اجتماعی حاکم بر جامعه اشاره می‌کند و از شر و فساد فراگیر، روابط خانوادگی مسموم، ظلم حاکمان و تعطیلی درس‌های علمی و دینی سخن می‌گوید. نویسنده سپس به وضعیت مالی نامناسب خود در اواخر عمرش اشاره می‌کند و انتظار او برای کمک و توجه از مردم کاشان را بیان می‌کند. با این حال، او با بی‌مهری مردم مواجه می‌شود و به همین دلیل، به طعن و بدگویی از شهر کاشان می‌پردازد. او کاشان را شهری پر از فتنه می‌داند.

### ۳-۳. وضعیت دین‌داری و اصناف دینی

سرایش رباعیات مصادف با سال‌های پایانی عمر ملا حبیب‌الله شریف کاشانی است؛ دورانی که نه ثروت و مکتبی برای وی به ارمغان آورده و نه اوضاع اقتصادی و اجتماعی جامعه به گونه‌ای است که علما و بزرگان دین مورد احترام و ستایش قرار گیرند. در این اوضاع، ملا حبیب‌الله در رباعیات خود به نقد اصناف مختلف و طبقات مردم می‌پردازد و در کنار آن، توصیه‌ها و فضایل اخلاقی را نیز یادآور می‌شود.

وخامت اوضاع به گونه‌ای است که تمامی شئون زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نخستین نمود این تأثیر را می‌توان در عرصه دین‌داری مشاهده کرد.

نه عدلی و نه دینی و نه مذهب      همه گشته به نزد تو فسانه  
(همان: ۶)

شاعر معتقد است که در این ایام از اسلام اثری نمانده و شرع پیامبر(ص) به کلی عوض شده<sup>۲۴</sup> و بازیچه لامذهبان شده<sup>۲۵</sup> و احکام آن به فراموشی سپرده شده<sup>۲۶</sup> و رونق مساجد از بین رفته است:

چه شد خرمهره با گوهر برابر      نه رونق ماند مسجد را نه منبر  
میان مردمان رسمی دگر شد      برفت از یادشان دین پیامبر  
(همان: ۲۶)



بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

وی در اشعار مختلفی به فقر و ناداری خود اشاره می‌کند.<sup>۲۷</sup> ملا حبیب با لحنی انتقادی، اصناف دین‌داران را مورد اعتراض قرار می‌دهد و مردم را به دوری از ایشان توصیه می‌کند.

ز مـلای بی‌دین حـذر      توکل علی الله فی کل شر  
چه فاسد شود عالمی این فساد      سرایت کند در همه بحر و بر  
(همان: ۹)

ملا حبیب‌الله به قاضیان نیز طعنی وارد می‌کند:

ایا قاضی مشو راضی که غازی      ز مال مردمان گیری نیازی  
مخور رشوه مبر مال یتیمان      که دینت را در این بازی بیازی  
(همان: ۹)

شاید بیشترین نقد و اعتراض ملا حبیب‌الله به همین گروه علمای ظاهری و به‌نوعی ملایان باشد.<sup>۲۸</sup> با توجه به شواهد موجود در سایر اشعار ملا حبیب‌الله، وی از ایشان با عناوینی همچون غافلان جاهل و تابعان باطل یاد می‌کند که اموال مردم را غارت کرده و اعتقادات آنان را تباه می‌سازند.

ای غافلان جاهل ای تابعان باطل      دادی شرع از دست از گفته‌ ارادل  
خوردید مال مردم، بردید دین مردم      انداختید ما را در فتنه و زلازل  
(همان: ۱۹)

وی از بی‌تفاوتی توانگران در برابر رنج مردم می‌نالد.

به روز عید نوروزم درم نیست      چه در این تاجران هرگز کرم نیست  
نه خمسی می‌دهند و نه زکاتی      وجود تاجران به از عدم نیست  
(همان: ۲۸)

شاعر شرایط بعد از گذشت از قحطی را به توانگران یادآوری می‌کند که سوهان جان ایشان خواهد بود:

پس از قحطی بلایی ناگهان است      برای اغنیا سوهان جان است  
(همان: ۲۲)

شاعر این اوضاع را آزمون و امتحانی برای اغنیا و توانگران می‌داند و به ایشان سفارش به دستگیری از مستمندان می‌کند.<sup>۲۹</sup> و یقین دارد که گرانی خواهد رفت و ارزانی خواهد آمد:

پس از آن‌که توانگر امتحان شد      گرانی رفت و ارزانی عیان شد  
(همان: ۲۷)



به‌طور خلاصه و برای جمع‌بندی می‌توان چنین گفت که اشعار ملا حبیب کاشانی، آینه‌ای تمام‌نما از بحران اجتماعی و فرهنگی ناشی از قحطی در کاشان است. وخامت اوضاع به‌گونه‌ای است که تمامی شئون زندگی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. نخستین نمود این تأثیر را می‌توان در عرصه دین‌داری مشاهده کرد. شاعر معتقد است که در این ایام از اسلام اثری نمانده و شرع پیامبر(ص) به کلی عوض شده، شرع بازیچه لامذهبان شده و احکام آن به فراموشی سپرده شده و رونق مساجد از بین رفته است. در کنار بحران دینی، اوضاع اقتصادی نیز بسیار نابسامان است. ملا حبیب‌الله در اشعار مختلفی به فقر و ناداری خود اشاره می‌کند و از بی‌تفاوتی توانگران در برابر رنج مردم می‌نالند. او اوضاع بعد از گذشت از قحطی را به توانگران یادآوری می‌کند که سوهان جان ایشان خواهد بود. در واقع این اوضاع را آزمون و امتحانی برای اغنیا و توانگران می‌داند و به ایشان سفارش به دستگیری از مستمندان می‌کند. در کنار انتقادات اجتماعی، ملا حبیب‌الله به نقد اصناف مختلف و طبقات مردم نیز می‌پردازد. او با لحنی انتقادی، اصناف دین‌داران را مورد نقد قرار می‌دهد و مردم را به دوری از ایشان توصیه می‌کند. وی همچنین به قاضیان طعنی وارد می‌کند و بیشترین نقد و اعتراض خود را متوجه علمای ظاهری و ملایان می‌کند. با توجه به شواهد موجود در سایر اشعار ملا حبیب‌الله، وی از ایشان با عناوینی همچون غافلان جاهل و تابعان باطل یاد می‌کند که اموال مردم را غارت کرده و اعتقادات آنان را تباه می‌سازند.

در مجموع، اشعار ملا حبیب‌الله کاشانی تصویری تلخ و گزنده از بحران اجتماعی و فرهنگی ناشی از قحطی در کاشان ارائه می‌دهد. او با زبانی صریح و بی‌پرده، انتقادات خود را درباره تمامی طبقات جامعه، از حاکمان و علمای دین گرفته تا مردم عادی، بیان می‌کند. اشعار او سند ارزشمندی برای درک شرایط اجتماعی و فرهنگی کاشان در دوران قحطی و همچنین شناخت دیدگاه‌های انتقادی و اصلاح‌طلبانه وی است.

از دیگر مضامین رباعی‌های ملا حبیب‌الله می‌توان به اعتقاد وی به تشیع اشاره کرد. وی امام علی(ع) را جانشین برحق پیامبر(ص) می‌داند و در ابیات بسیاری به این موضوع اشاره می‌کند:

اندر هوای محرم و اندر غدیر خم آمد خطاب سوی رسول خدا که قم  
بنشان به جای خویش پسر عم خویش را یعنی علی‌ست مظهر اکملت دینکم  
(همان: ۱۴)

علاوه بر مضامین پیش‌گفته، رباعیات ملا حبیب‌الله به موضوعاتی چون زن، حرمت تراشیدن ریش و اندرزهای اخلاقی نیز می‌پردازد. توصیه‌های اخلاقی شاعر متناسب با مقتضیات زمان بوده و



### بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

شامل دعوت به قناعت، صبر، درخواست نکردن از افراد پست و فرومایه و... می‌شود. او در اشعاری درباره‌ی زنان چنین می‌سراید:

مترس از شیر نر کو بیشه دارد	بترس از زن که او صد تیشه دارد
درخت مکر زن صد ریشه دارد	فلک از مکر زن اندیشه دارد

(همان: ۷۸)

#### ۴. نتیجه‌گیری

ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، فقیهی عالم و نویسنده‌ای پرکار در قرن چهاردهم هجری، با بیش از دوپست اثر در زمینه فقه، حدیث، تفسیر، شعر و سایر علوم، پس از سال‌ها تلاش به جایگاهی رفیع در علم و دانش دست یافت و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. آخرین اثر او، رباعیات فارسی، به دلیل هم‌زمانی با جنگ جهانی اول، اهمیت ویژه‌ای برای درک اوضاع و احوال جامعه کاشان در آن دوران دارد. رباعیات ملا حبیب‌الله، فراتر از زیبایی‌های ادبی، آینه‌ای تمام‌نما از حوادث اجتماعی پیرامون شاعر، به‌ویژه قحطی بزرگ آن زمان است. او از دولت‌های استعماری روس و انگلیس شکوه می‌کند و به درویش و صوفیه و عقیده وحدت وجودی ایشان می‌تازد. در اوج بحران مالی در اواخر عمر، با جنگ جهانی اول و شروع قحطی بزرگ در سراسر ایران، به‌ویژه کاشان روبه‌رو می‌شود. این بلای طبیعی همه شئون زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد: بنیان‌های خانواده از هم می‌پاشد، گرسنگی بیداد می‌کند، ظلم ظالمان جاری می‌شود و وضعیت دین‌داری مردم ضعیف می‌گردد. شدت قحطی به حدی است که مردم به خوردن علف، گوشت سگ و گربه روی می‌آورند. با استناد به اقوال شاعر، یک‌سوم جمعیت کاشان آن زمان بر اثر قحطی از بین می‌رود. تنها کار شاعر در این زمان، تشویق مردم به صبر و توصیه به اغنیا برای رعایت حال مردم است. طبع نازک شاعر از این حوادث به تنگ می‌آید و زبان شکوه از زمین و زمان می‌گشاید. او منتقد مردم کاشان می‌شود، از فقر و نداری خود گله می‌کند و به علمای ظاهری می‌تازد و از افول دین‌داری مردم ناراحت است. پیداست که وضعیت اجتماعی شهر کاشان در آن زمان مطلوب نبوده و شاعر برای رهایی از این وضعیت، از خداوند طلب مرگ می‌کند، ولی خوشبختانه به سلامتی از این قحطی جان سالم به در می‌برد. مضامین دیگری نیز در شعر ملا حبیب وجود دارد؛ از جمله وصف خداوند، مدح پیامبر (ص)، مدح علی (ع)، مضامین و اندرزهای اخلاقی و زن.



### پی‌نوشت‌ها

۱. مذهب صوفیه که گمراه است/ لیس فی جبتی سوی الله است (ص ۳۱)؛  
نه آن چون صوفی بیگانه از شرع/ که دزد و رهزن است اندر شریعت (ص ۳۲)؛  
از این سجاده و دل‌ق مرقع/ می‌فکن خویش را در دام شیطان (ص ۳۲)؛  
ما کاشف اسراریم صوفی تو چه می‌دانی/ ما مطلع انواریم صوفی تو چه می‌دانی // ما پاس شریعت را داریم  
به هر حالت/ ما مرجع هر کاریم صوفی تو چه می‌دانی (ص ۳۳)؛  
گفتند جماعتی که درویشانیم/ با زمره اولیای حق کیشانیم // چون نیک بدیدیم که بدکیشانند/ بیزار ز کیش  
و مذهب ایشانیم (ص ۳۴).
۲. دم تو از وحدت وجود زنی/ من ندانم تو در چه شغل و فنی // فرق مابین خالق و مخلوق/ از چه شد دانی  
ای حکیم دنی (ص ۳۱)؛  
لیس فی جبتی سوی الله است/ سخن وحدتی گمراه است // ذات مخلوق کی شود خالق/ آن‌که باشد قدیم،  
الله است (ص ۳۱)؛  
گویند جماعتی که بت عین خداست / این قول به نزد عارفان کفر و خطاست // مخلوق کجا و خالق لم  
یزلی / گو در صفت و ذات ز هر عیب جداست (ص ۴۳)؛  
۳. علم دین فقه است و تفسیر و حدیث/ نی و هوم فلسفی بی‌ثبات (ص ۱۷).  
۴. طلا و نقره در ایام قحط ارزان است/ لباس ساتر تن در بهای یک نان است (ص ۲۵).  
۵. کتاب و دفتر و دارایی‌ام به مفت برفت/ چراکه بیم فساد و هلاکت جان است (ص ۲۵).  
۶. ...گویی تو که تنها قحط نان شد/ تمام خوردنی‌ها هم گران شد (ص ۲۶).  
۷. عید آمد و در برم قبا نیست/ پیراهن تازه و عبا نیست (ص ۲۳)؛  
عید آمد و صد عزا مهیاست/ این شورش و ناله چیست برپاست (ص ۲۳)؛  
عید آمد و گرچه نوبهار است/ دل‌های فسرده صدهزار است (ص ۲۳)؛  
عید آمد و دل کباب زار است/ دل‌خسته ز جور روزگار است (ص ۲۳)؛  
این چه عیدی است که دل‌ها همه ماتم دارد/ این چه عیدی است که صد غصه دمام دارد // این چه عیدی  
است که جان‌ها همه در تاب و تب است/ این چه عیدی است که صد غصه دمام دارد (ص ۲۳)؛  
شب عید است و اطفالم گرسنه/ نمی‌دانم خبر داری تو یا نه (ص ۲۳)؛  
شب عید است و من را نیست روغن/ برنجی نیستم مقدار ارزن (ص ۲۴)؛  
چون سیم و زر و نان نیست عیدت به چه کار آید/ خواهد که خزان باشد یا فصل بهار آید (ص ۲۴).  
۸. الا ای خداوند مال و منال/ در این قحط‌سالی تو هرگز نال // تو بفروش از مال خود هر چه هست/ چه  
دادت خدا پیش از این قحط‌سال (ص ۲۷)؛





بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

- تو می‌گویی مسلمانم دروغ است / تو خوابی سیر و این مردم گرسنه (ص ۲۳)؛  
 در این سال قحطی و ایام تنگ / مکن با فقیران بیچاره جنگ (ص ۲۰).
۹. در این قحطی مسلمان امتحان شد / ز دین بیرون چه تیری از کمان شد (ص ۲۶)؛  
 در این قحطی اگرچه نان گران است / غرض از این گرانی امتحان است (ص ۲۲).
۱۰. پی هر عسر و سختی یسر آمد / رطب اندر پی هر بسر آمد // نمی‌باید جزع کردن ز هر عسر / بسی سودی  
 که اندر خسر آمد (ص ۲۲).
۱۱. بحمدالله که آن مهدی موعود / امارات ظهورش گشت مشهود (ص ۱۵)؛  
 وضع عالم به نظر وضع دگر می‌آید / خوار این شرع مطهر به نظر می‌آید // لیک امید که آن یار سفرکرده  
 ما / زود می‌آید و این غصه به سر می‌آید (ص ۱۷).
۱۲. همه روی زمین شر و فساد است / برادر با برادر در عناد است (ص ۱۶)؛  
 در این قحطی پسر یاد پدر نیست / پدر جویای احوال پسر نیست (ص ۲۱)؛  
 در سال مجاعه و گرانی / بیگانه‌توست یار جانی (ص ۲۵).
۱۳. جواهر را همه چون گه نموده / اراذل را وزیر شه نموده (ص ۱۸)؛  
 برادر نداند برادر که کیست / پسر از پدر می‌نماید فرار (ص ۸۱).
۱۴. ز ظلم ظالمان خون در جگر شد / دعای نیمه‌شب هم بی‌اثر شد (ص ۱۸).
۱۵. درس‌ها در این زمان تعطیل شد / کمتری اندر پی تحصیل شد // درس‌های کفر و درس زندقه / در محل  
 قول و قال و قیل شد (ص ۸۴)؛  
 ای که گفתי که قدر مرد به علم / این سخن نیست نزد من معلوم // این مطالب در آن زمان بوده / لیک در  
 این زمان همه موهوم (ص ۶۷).
۱۶. من ندیدم در این زمانه کسی / که برای خدا زند نفسی (ص ۱۲).
۱۷. نفاق مردم نادان به هم زند همه کار / فدای آن‌که مرا روبه‌رو خصیم و عدوست (ص ۶۷).
۱۸. در این قحطی و تنگی و گرانی / نپرسیدی از کس احوال ما را (ص ۲۴)؛  
 در این قحطی چرا یادم نکردی / چرا از لطف خود شادم نکردی (ص ۲۵)؛  
 کجا روم چه کنم با که راز دل گویم / ز فقر و فاقه بنالم به هر شب و روز (ص ۲۷)؛  
 نمی‌پرسد کسی از حال زارم / مگر جمعی فقیر و لاابالی (ص ۲۲).
۱۹. صد سال اگر کسی به زندان باشد / بهتر که دمی به شهر کاشان باشد // ای کاش که شهر کاش ویران  
 باشی / تا یک نفرش به عهد و پیمان باشد (ص ۲۹).
۲۰. فریاد و فغان ز اهل کاشان / کز بخل سرشته است ایشان // ای کاش خراب می‌شد این شهر / اهلبش همه  
 درهم و پریشان (ص ۳۰).

۲۱. هزاران بار این اهل کاشان تفو/ که ناگه‌ستیزند و هم فتنه‌جو// نه بدهند بر عالمی حق او/ نباشند در حال او در رفو (ص ۳۰).
۲۲. ز اهل و عیال و رفیقان بد/ از این مردم شهر کاشان گریز (ص ۸)؛  
من به کاشان غریب و بی‌یارم/ همچو منصور بر سر دارم (ص ۳۱)؛  
هست علامهٔ زمان مهجور/ گر نباشد برای او زر و زور (ص ۶۶)
۲۳. قمصر که هوش چون بهشت است/ اهلش چه جهنم و عذاب است// این فین بزرگ و همچه کوچک/  
الحق که جهنم پرآب است (ص ۳۹).
۲۴. آه ز اسلام نمانده اثر/ بر اثرش جن و ملک نوحه‌گر// شرع پیمبر شده زیر و زبر/ کاش که بودیم به عهد  
عمر (ص ۸۴)؛  
عالم غریب و زهد غریب و ناغریب/ سالک ز هر غنیمت دنیا است نصیب (ص ۵۱)؛  
نه اسلامی به جا مانده نه مذهب/ هدر شد جمله در دینار و درهم (ص ۲۲)؛  
خدایپرست نمی‌بینم اندرین مردم/ مثال زادهٔ تاریخ در این زمانه فریدم (ص ۲۲)؛  
چون شد بساط شرع بنی در زمانه طی/ افتاد حکم محکمه در دست هر صبی (ص ۱۲).
۲۵. از ظلم این لامذهبان بازیچه شد شرع خدا/ بازیچه شد شرع خدا از دست این لامذهبان (ص ۶۷)؛  
رسم شریعت همه بر باد رفت/ وای بر این مردم ناپایدار (ص ۶۴).
۲۶. در این زمان خدای غریب و بنی غریب/ احکام شرع جمله غریب و بنی غریب (ص ۵۱)؛  
مسلمان اندرین دوران غریب است/ ز نعمت‌های دنیا بی نصیب است (ص ۱۸)؛  
طریق شرع نخواهند اعتنا کنند/ به نائبان رسول و به نائبان امام (ص ۶۷).
۲۷. در فقر و بلا بر من گشودی/ از این مردم جفا بر من نمودی (ص ۳)؛  
همه دربی به رویم بسته کردی/ دلم از فقر و فاقه خسته کردی (ص ۵)؛  
ننالد عاشقی از فقر و فاقه/ رضای عاشقان اندر همین است (ص ۵).
۲۸. الا ای صاحب محراب و منبر/ همین داری تو از ارث پیمبر// گمان داری که او را جانشینی/ کجا شد  
علم و تأییدان داور (ص ۶۰)؛  
ولی دارم شکایت بی‌نهایت/ از این بی‌مذهبان بی‌درایت (ص ۶۲)؛  
به رشوه شرع پیغمبر همه زیر و زبر کردی/ به حيله حکم حق اندر درون سینه بنهفتی (ص ۸۲)؛  
فساد عیش دنیا از اجل است/ چه از حاجی یا ملا سراج است (ص ۶۵).
۲۹. اگر باشی توانگر یاد او باش/ فقیران را نوازش کن به ایثار (ص ۶۶).



## منابع

استادی، رضا. (۱۳۷۳). نجوم امت؛ حضرت آیت‌الله آخوند ملا حبیب‌الله کاشانی. نور علم، شماره ۵۴، ۲۳-۶۷.

امامت کاشانی، حاج سید عزیزالله. (بی‌تا). کشکول امامت. بی‌جا: بی‌نا.

بلوری، مریم، و مختاری، نوری. (۱۳۹۷). بازتاب روحی و روانی بلاای طبیعی در متون ادبی قرن چهارم تا هشتم هجری. فصلنامه علمی تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی، ۸(۲۶)، ۱۷-۳۴.

سلمانی آرانی، حبیب‌الله. (۱۳۷۵). سیمای کاشان. قم: بشیر.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). سیر رباعی در شعر فارسی. تهران: فردوس.

عاطفی، افشین. (۱۳۸۱). بزرگان کاشان. قم: افق فردا.

عربشاهی کاشی، الهام، و فراهتی، عباسعلی. (۱۳۹۹). واکاوی شخصیت علمی، اخلاقی و اجتماعی

آیت‌الله العظمی سید محمد علوی بروجردی (ره). دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی، ۱۳(۲)، پیاپی

۲۵، ۶۵-۹۰.

کاشانی، ملا حبیب‌الله بن علی مدد. (۱۴۰۵ق). شرح دعای سحر. قم: چاپخانه علمیه.

کاشانی، ملا حبیب‌الله بن علی مدد. (۱۳۸۳). خواص و مفاهیم اسماء الحسنی؛ مفاهیم ویژه نام‌های

زیبای خداوند. ترجمه و شرح محمد رسول دریایی. تهران: صائب.

کاشانی، ملا حبیب‌الله بن علی مدد. (۱۳۷۳ق). رباعیات فارسی و قصیده عربی در مدح

صاحب‌الزمان (ع). کاشان: مدرسه اسلامی.

کاشانی، ملا حبیب‌الله بن علی مدد. (بی‌تا). مجموعه آثار (تشویقات السالکین، تنبیهات الغافلین،

گلزار اسرار و اشعار متفرقه). بی‌جا: بی‌نا.

کلاتر ضرابی، عبدالرحیم. (۱۳۴۱). تاریخ کاشان. به کوشش ایرج افشار. بی‌جا: بی‌نا.

مجد، محمدقلی. (۱۳۸۶). قحطی بزرگ. ترجمه محمد کریمی. تهران: مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی.

مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۹۴). ریحانه الادب. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

مدنی، امیرحسین. (۱۳۹۲). پژوهشی در دیدگاه‌های عرفانی حکمی ملا حبیب‌الله شریف کاشانی با

تأکید بر مشابهت اندیشه‌های وی با مولانا. پژوهش‌نامه کاشان، شماره ۳، ۱۴۰-۱۶۹.

مدنی، قدسیه. (۱۳۵۷). ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، نشریه وحید، شماره ۲۳۰، ۲-۱.



نادری، علی. (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی میان شرح دعای سحر امام خمینی (ره) با شرح دعای سحر ملا حبیب‌الله کاشانی و شرح دعای سحر سید ابوالحسن رفیعی قزوینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.  
نراقی، حسن. (۱۳۴۵). تاریخ اجتماعی کاشان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

### References

- Arabshahi Kashi, E., & Farahati, A. A. (2020). Investigating the Scientific, Moral, and Social Personality of Ayatollah Seyyed Muhammad Alavi Borujardi. *Biannual Journal of Kashan Studies*, 13(2) (Serial No. 25), 65-90. [In Persian]
- 'Ātifī, A. (2002). *Buzurgān-e Kāshān*. Vol. 2, Qom: Ufuq-e Fardā. [In Persian]
- Balouri, M., & Mukhtari, N. (2018). Reflection of Psychological and Emotional Impacts of Natural Disasters in Literary Texts from the 4th to 8th Centuries AH. *Quarterly Journal of the Study of Lyrical Literature*, 8(26), 2018, 17-34. [In Persian]
- Imamat Kashani, A. (n.d.). *Kashkul-e Imamatī*, [no place]. [In Persian]
- Kalanter Zarābi, 'Abd al-Rahīm (1962), *Tārīkh-e Kāshān*, edited by Iraj Afshar, [no place], [no publisher]. [In Persian]
- Kashani, H. (1985). *Sharh-e Du'a-e Sahar*. Qom: Chaphkhaneh-ye 'Ilmiyyah. [In Persian]
- Kashani, H. (2004). *Khawassva Mafāhīm-e Asmā'-e Husnā; Special Concepts of the Beautiful Names of God*. translated and annotated by Muhammad Rasul Daryaei. Tehran: Sā'eb. [In Persian]
- Kashani, Mulla Habibullah (n.d.), *Majmū'ah-ye Āthār (Tashwīqāt al-Sālikīn, Tanbīhāt al-Ghāfilīn, Gulzār-e Asrār va Ash'ār-e Mutafarriqah)*, [no publisher], [no place]. [In Persian]
- Kashani, H. (1994). Persian Rubā'iyāt and an Arabic Qasīdah in Praise of the Master of the Age (A.S.), *Madrāsah-ye Islāmī*. Kashan. [In Persian]
- Madani, A.H. (2013). A Study of the Mystical-Philosophical Views of Mulla Habibullah Sharif Kashani with an Emphasis on the Similarities of his Thoughts with Mawlana. *Pa'ūhishnāmah-ye Kāshān*, No. 3, 140-169. [In Persian]
- Madani, Gh. (1974). Mulla Habib Allah Shatif Kashani. *Vahid Journal*. 230, 1-2. [In Persian]
- Majid, M. Qh. (2007). *The Great Famine*. translated by Muhammad Karīmī. Tehran: Institute for Political Studies and Research. [In Persian]
- Mudarris Tabrizī, M. A. (2015). *Raiḥānat al-Adab*. Vol. 5. Qom: Mu'assasah-ye Imām Ṣādiq.



بن‌مایه‌های رباعیات ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، عظیم حمزئیان و قاسم رؤفی

10.22052/KASHAN.2024.253576.1093

- Naderi, A. (2010). *A Comparative Analysis of Khomeini's Dawn Prayer and Habiballah Sharif's and Rafie Ghazvini's Dawn Prayers*. M.A. Thesis, Islamic Azad University. Tehran: Central Branch. [In Persian]
- Narāqī, H. (1966). *Tārīkh-e Ijtīmā'ī-ye Kāshān*. Tehran: Institute for Social Studies and Research. [In Persian]
- Ostadi, R. (1994). Najum-e Ummat; Ayatollah Akhund Mulla Habibullah Kashani. *Nur-e Elm*, No. 54, 23-67. [In Persian]
- Salmani Arani, H. (1996). *Simay-e Kashan*. Qom: Bashir. [In Persian]
- Shamīsā, S. (1995). *Sayr-e Rubā'īdarShi'r-e Fārsī*. Tehran: Firdaws. [In Persian]





## Thematic Foundations of the Quatrains of Mullah Habibullah Sharif Kashani

### Azim Hamzeian

Associate Professor, Department of Religions and Mysticism, Faculty of Humanities, University of Semnan, Semnan, Iran. (Corresponding Author)  
ahamzeian@semnan.ac.ir

### Ghasem Roohi

PhD Student of Islamic Sufism and Mysticism, Faculty of Humanities, Department of Religions and Mysticism, University of Semnan, Iran.  
ghasem.raufi@semnan.ac.ir

Received: 14/10/2023

Accepted: 11/02/2024

### Introduction

Mullah Habibullah Sharif Kashani, a prominent scholar and jurist, was born in Kashan in 1261 AH. He attained the rank of mujtahid at the age of 16 and dedicated his life to teaching, writing, and guiding people. He trained numerous students and produced valuable works in various fields of knowledge. His notable works included *Montaqed al-Manafe* about jurisprudence, *Lubab al-Alqab* on biographies of scholars, *Tashil al-Masaalik ila al-Madarik fi Ru'us al-Qawa'id al-Fiqhiyyah*, and *Qawamis al-Durar*. In addition to his numerous works, Mullah Habibullah Sharif Kashani also authored a collection of Persian quatrains and an Arabic qasida in praise of the Imam Mahdi, the twelfth Imam of Shiite. This work demonstrated his deep devotion and love towards Imam Mahdi. Mullah Habibullah' quatrains, in line with the requirements of the time, belonged to the category of protest and social quatrains. These quatrains provide valuable information about the society, the conditions, the people, and their circumstances at that time.

### Materials, Methods, and Results

The ruba'i, an ancient Persian poetic form of a-four-line structure and an "aaba" rhyme scheme, has a high capacity for expressing profound and effective notions due to its simplicity and conciseness. This form has had diverse applications throughout the history of Persian literature, encompassing themes ranging from love and mysticism to wisdom, praise, and satire. Nevertheless, the ruba'i, owing to its structural characteristics, is also considered a suitable medium for expressing social and political themes. Mulla Habibullah's ruba'is serve as a comprehensive mirror of the social, economic, and political conditions of the Qajar era, particularly the epoch of the First World War and the famine of 1296 AH in Kashan. In addition to their



literary values, these ruba'is are a valuable resource for understanding the living conditions of the people, their thoughts and critiques of a religious scholar in the face of social problems. Besides, they reveal a better comprehension of the political situation of that period. The content of Mulla Habibullah's ruba'is encompasses a wide range of themes. They include the description of God, the praise of the Prophet Muhammad, Imam Ali, and Imam Mahdi, the promotion of moral virtues, the lamentation of the time, the reflection of the poet's poverty, the famine of the era, a criticism of the city of Kashan, its people, women, various professions, and different social classes. Within his poems, he also criticizes the Sufis and their beliefs in the unity of existence. Considering jurisprudence, Quranic exegesis, and Hadith the best sciences, he himself seems to believe in the unity of vision. A notable aspect of Mulla Habibullah's ruba'is is his political inclination, which opposed the Russian and English governments. He also has a sidelong glance at the constitutional situation. One of the main reasons for Mulla Habibullah's opposition to the colonial governments of Russia and England was his concern about the weakening and elimination of the Islamic religion. He refers to the severe social conditions prevailing in the society and speaks of the widespread evil and corruption, poisoned family relationships, the oppression of the rulers, and the closure of scientific and religious schools. He then alludes to his own unfavorable financial situation in the later years of his life and expresses his expectation for assistance and attention from Kashan's people. However, he faces indifference and, thus, resorts to sarcasm and disparagement of the city of Kashan, considering it a city full of sedition. The author, then, proceeds to criticize various professions and social classes. He expresses his disapproval of the religious class in a serious tone and advises people to distance themselves from them. He also makes remarks about the judges and directs the most extensive criticism towards the apparent scholars and clerics. According to the evidences found in his other poems, Mulla Habibullah refers to these people with titles such as "ignorant negligent ones" and "followers of falsehood," accusing them of plundering people's wealth and corrupting their beliefs. In short, the poems by Mulla Habibullah present a bitter and stinging portrayal of the social and cultural crises resulting from the famine in Kashan. He expresses his candid and unvarnished criticisms towards all segments of society, from the rulers and religious scholars to common people, through a direct and uncompromising language. His poems serve as a valuable document for understanding the social and cultural conditions of Kashan during the famine period. They also helped recognize Mulla Habibullah's critical and reformist perspectives. Another theme in his ruba'is is his belief in Islam practiced by the Shia. He considers Imam Ali as the rightful successor of the Prophet and refers to this issue in numerous verses. In addition to the aforementioned themes, Mulla Habibullah's ruba'is also address topics such as women, the sanctity of not shaving one's beard, and moral advice. The poet's ethical recommendations are tailored to the requirements of the time and include calls for moderation, patience, and abstinence from seeking help from inferior and mean people.

### Conclusion

Mulla Habibullah's ruba'iyats (quatrains) are valuable resources for understanding the social, economic, and political conditions of Kashan during the First World War and the great famine of 1296 AH. These ruba'iyats, beyond their literary aspects,

present a bitter and stinging portrayal of the social and cultural crises of the era as well. In his poems, Mulla Habibullah expresses his direct criticisms of the colonial governments of Russia and England, Sufis and dervishes, the superficial scholars, and the people of Kashan. With a harsh and uncompromising language, he criticizes the prevailing corruption, injustice, poverty, and secularism in the society and calls for social reforms and the revival of religious values.

Mulla Habibullah's ruba'iyats also reflect the devastating impacts of the famine on the lives of the people. He speaks of hunger, death, the collapse of families, and the spread of corruption. His poems show that the famine had severely shaken the moral and social foundations of the society. Thus, Mulla Habibullah's ruba'iyat serve as a historical document for understanding the critical conditions of Kashan during the great famine as well as for recognizing the critical and reformist perspectives of a religious scholar in the face of social problems. His poems present a bitter and stinging portrayal of the social and cultural crises of that era and call for social reforms and the revival of religious values.

**Keywords:** Mulla Habibullah Sharif Kashani, Kashan famine, ruba'iyat, social conditions, Qajar era.

